

فصلنامه علمی مطالعات ادبیات شیعی

سال اول، شماره چهارم، بهار ۱۴۰۲

سیمای اهل بیت^(ع) در اشعار فدایی هروی

میثم حنیفی^۱، صدیقه حسینی^۲

چکیده

عشق و ارادت به پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) ایشان از جمله موضوعات مهمی است که تاریخ ادبیات فارسی دری هیچ‌گاه از آن خالی نبوده است. شاعران و نویسنده‌گان فارسی اعم از شیعه و سنتی همواره این موضوع را مدنظر داشته‌اند و هریک به فراخور نگاه خاص خود، جنبه‌ای از این ارادت ورزی را برجسته کرده‌اند: از توصیف و نعت و مدح گرفته تا توسل و شفاعت خواهی؛ از تبیین مکتب و مقام و منزلت اهل بیت^(ع) تا مرثیه و سوگ در مصائب ایشان و موضوعات دیگر. فدایی هروی، از شاعران برجستهٔ معاصر افغانستان نیز از این رویکرد مستثنی نیست. دیوان شعر وی مشحون از عشق ورزی و ابراز ارادت به پیامبر اکرم^(ص) و خاندان مطهر ایشان است؛ به نحوی که حدود ۶۰ درصد اشعار وی با زمینهٔ مدح و توصیف سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) سروده شده است. این پژوهش در صدد بررسی چگونگی بازتاب سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) در دیوان اشعار فدایی هروی است. پژوهش پیش رو، به شیوهٔ توصیفی تحلیلی به انجام رسیده و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای به دست آمده است. از مهم‌ترین موضوعات تکرارشونده در این دیوان، می‌توان به توصیف و مدح خاندان عصمت، ذکر بعضی از معجزات پیامبر^(ص) و کرامات اهل بیت^(ع)، مرثیه، توسل و شفاعت خواهی اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: شعر معاصر افغانستان، فدایی هروی، اهل بیت^(ع)، مدح، رثا.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت^(ع) (نویسنده مسئول) hanifimeysam@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت^(ع).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۶ – تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۵۳

۱. مقدمه

براطعلی فدایی هروی یکی از شاعران برجسته شعر معاصر افغانستان بوده که به جهت سابقه هفتاد و پنج سال شاعری و بنیانگذاری انجمنهای ادبی مختلف، در مجتمع ادبی افغانستان لقب «شیخ الشعرا» گرفته است. بیش از ۲۲۰۰ بیت - یعنی حدود ۶۰ درصد - از اشعار دیوان فدایی هروی به مدح و توصیف پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) اختصاص دارد. فدایی هروی آن فرزانگان پاک را الگوی انسانیت دانسته و مردم را برای نجات از سختی و مشکلات، به توسل به پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) ایشان تشویق و ترغیب می‌کند. بررسی چگونگی بازتاب سیمای اهل بیت^(ع)، خصوصیات و ویژگی‌های آنان در شعر براطعلی فدایی هروی، از مهم‌ترین بایسته‌های پژوهش در شعر اوست. این پژوهش گذشته از تبیین این موضوع، در صدد معرفی بیشتر این شاعر بزرگ افغانستانی به جامعه ادبی ایران است. عشق ورزی و ابراز ارادت به پیامبر اکرم^(ص) و خاندان مطهر ایشان در سراسر اشعار فدایی بسیار بالایی دارد؛ به نحوی که حدود ۶۰ درصد اشعار اوی با زمینه مدح و توصیف سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) سروده شده است. این پژوهش در صدد بررسی چگونگی بازتاب سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) در دیوان اشعار فدایی هروی است.

۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

براساس جستجوی نگارنده‌گان، تاکنون پژوهش مستقلی به موضوع اهل بیت^(ع) در دیوان فدایی هروی، نپرداخته است. تنها چند پایان‌نامه کارشناسی با موضوع دیوان فدایی هروی در افغانستان، به خصوص در زادگاه شاعر به انجام رسیده که هیچ‌کدام به موضوع اهل بیت^(ع) اختصاص ندارند و البته هیچ‌یک هم به چاپ نرسیده‌اند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نگاهی به شعر و شخصیت فدایی هروی، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه هرات،
دانشجو: میلاد مطهری.
- بررسی صور خیال استعاره و مجاز در دیوان فدایی هروی، پایان نامه کارشناسی،
دانشگاه هرات، دانشجو: سعیده احمدی.
- بدیع معنوی در دیوان استاد فدایی هروی، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه هرات،
دانشجو: فوزیه حسن زاده.
- بررسی آثار و افکار فدایی هروی، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه هرات، دانشجو:
فاطمه غلام سخی.
- دین و مذهب در دیوان فدایی هروی، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه هرات،
دانشجو: فوزیه سردار احمد.

۲-۱. معرفی شاعر

براتعلی فدایی هروی فرزند عبدالصمد در بهار ۱۳۰۸ ه.ش. در محله خواجه عبدالله انصاری در شهر باستانی هرات، چشم به جهان گشود. فدایی پنج ساله بود که پدرش توانست در محله قطبی چاق، ناحیه اول شهر هرات، خانه کوچکی خریداری کند و پس از آن به شغل عطاری پردازد. پدر وی در همان سال او را به مسجد محل فرستاد تا آموzesهای متداول را ببیند. فدایی با توجه به استعدادی که داشت، تا سن هفت سالگی توانست خواندن و نوشتن را بیاموزد. پس از آن، از سوی جد مادری اش که مردی فاضل و خوشنویس بود و بیشتر عمرش را در دوایر دولتی در امور انشا و تحریر سپری کرده بود، به مطالعه و نوشتن تشویق و راهنمایی شد و در همان دوران، آثار ادبیات کلاسیک مانند شاهنامه فردوسی، اسکندرنامه، رستم نامه، خمسه نظامی، محبوب القلوب و... را خواند. فدایی می‌گوید:

«خواندن این آثار در آن سال‌ها برایم دشوار بود و مرا وادار کرد برای فهم معنی واژگان

به سراغ لغت‌نامه‌ها بروم و فرهنگ‌هایی مانند غیاث‌اللغات، منتخب‌اللغات، چراغ هدایت، سراج‌اللغات و... را همیشه کنار دست خود داشته باشم. این بود که کم کم دایرۀ مطالعاتم وسیع تر شد و با بیشتر آثار شاعران کهن آشنا شدم» (فدایی، ۱۳۹۹: ۱۳).

در سن دوازده سالگی ذوق شعر در روی جوانه زد. فدایی پس از پایان تحصیلات رسمی، در شرکت ارزاق مشغول به کار شد و سپس در وزارت فواید عامه به عنوان کارمند رسمی استخدام شد. بر اتعلی فدایی در سال ۱۳۵۱ ه.ش. در بادغیس کارمند وزارت فواید عامه بود که قحطی، فاجعه‌ای سنگین را با خود به همراه آورد؛ در حدی که غذای مردم علف‌های خشک بود و کودکان بی‌شماری روی دست مادرانشان از گرسنگی جان دادند. اربابان و صاحبان زر و زور در معامله با کارمندان دولت گندم‌های امدادی را می‌فروختند. درحالی‌که پدران و مادران زیادی مجبور شده بودند دختران و پسران خود را برای رهایی از گرسنگی بفروشنند. در این دوره فدایی از حنجره‌هایی بود که درد مردم را فریاد می‌کشید. این اعتراض‌ها سبب شد او در بادغیس مورد تهدید قرار گیرد. در آن سال‌ها اشعار فدایی و دیگر شاعران در نشریهٔ ترجمان و دیگر نشریات کشور به چاپ می‌رسید تا اینکه دولت را مجبور کرد هیئتی برای بررسی اوضاع به بادغیس بفرستد. مدت کمی بعد از سفر این هیئت، فدایی نیز بازنشسته شد و به مشاغل آزاد روی آورد.

پس از حادثه حملهٔ قشون سرخ شوروی به افغانستان، در ۲۴ اسفند ۱۳۵۷ که باعث کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان هرات شد، مرحلهٔ دیگری از زندگی فدایی در هجرت آغاز گردید. وی در کشور ایران ساکن شهر مشهد شد؛ اما هم چنان قلب و قلمش برای سرزمین و مردم داغدارش می‌تپید و در جریان‌های مختلف مقاومت علیه تجاوز و استعمار، بانی حرکت‌های فرهنگی مختلف می‌شد. فدایی که در کارنامه خود ریاست «انجمن دوستداران سخن» را در هرات به عهده داشت، اولین کسی بود

که مهاجران افغانستانی مقیم ایران را گرد خود جمع نمود و «انجمن شعرای مهاجر» را تأسیس کرد. این دو انجمن اولین بستر پرورش ذوق شاعرانه تعداد زیادی از شاعران نام آشنای امروز افغانستان است (همان: ۱۳-۱۵).

فدایی پس از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱، به زادگاه خود هرات برگشت و نزدیک سه دهه آخر عمرش را در آنجا گذراند. این شاعر بزرگ به علت سابقه طولانی شعری اش در افغانستان به ویژه در شهر هرات، به شیخ الشعرا معروف بود. وی در سن ۹۲ سالگی در ۵ آذر ۱۴۰۰ بر اثر بیماری درگذشت.

۲. بحث

مهم‌ترین اثر به جامانده از فدایی هروی، دیوان اشعار اوست که در سال ۱۳۹۹ در هرات به چاپ رسیده است. این دیوان مشتمل بر ۳۵۸۱ بیت است که در قالب‌های قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، مخمس، چهارپاره، رباعی، دوبیتی و ۲۵۲ خط شعر نیمایی سروده شده‌اند. بیش از ۲۲۰۰ بیت، یعنی حدود ۶۰ درصد از اشعار دیوان فدایی هروی به مدح و توصیف پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(۴) اختصاص دارد.

در این بخش، پس از ذکر بس‌آمد ابیات مربوط به پیامبر^(ص) و هریک از معصومین^(ع)، مهم‌ترین موضوعات به همراه نمونه‌هایی از ابیات ذکر می‌شود.

پراکندگی ابیات در دیوان با موضوع اهل بیت^(۴) و در قالب‌های مختلف شعری، به شرح جدول زیر است: (شماره صفحات مبتنی بر چاپ سال ۱۳۹۹ هرات است. همچنین در نشانی ابیات، عدد سمت راست مربوط به شماره صفحه و عدد سمت چپ مربوط به شماره بیت است).

صفحه	تعداد ایيات	موضوع	قالب	شخصیت
۱۱۱-۱۴۹	۲۲۸	نعت	۷ قصیده	پیامبر اکرم (ص)
۲۹۲، ۲۹۳، ۳۱۹، ۳۸۵ ۳۸۸، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۹۱	۲۹۷	منقبت	۸ مثنوی	پیامبر اکرم (ص)
۱۱۵، ۱۳۵، ۱۴۶	۱۷۱	مدح	۳ قصیده	حضرت علی (ع)
۲۰۲، ۲۳۵، ۲۳۸	۱۳۴	مدح	۳ ترکیب بند	حضرت علی (ع)
۳۰۲، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۴۵	۷۶۰	سخنان و نامه‌ها	۵ مثنوی	حضرت علی (ع)
۱۱۹	۳۹	مدح	۱ قصیده	حضرت زهرا (س)
۱۵۸	۲۶	مدح	۱ قصیده	امام حسین (ع)
۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۸	۸۷	مدح	۳ ترکیب بند	امام حسین (ع)
۸۶	۱۳	مدح	۱ غزل	امام حسین (ع)
۱۳۱	۳۸	مدح	۱ قصیده	امام رضا (ع)
۱۸۹	۳۵	مدح	۱ ترکیب بند	امام رضا (ع)
۵۱۸	۳۱	مدح	۱ قصیده	امام جواد (ع)
۴۹۳-۵۰۵، ۵۱۱-۵۱۲	۱۶۴	سخنان و نامه‌ها	۱۳ مثنوی	امام جواد (ع)
۵۱۳-۵۱۵	۴۲	مدح	۵ غزل	امام جواد (ع)
۵۰۹-۵۱۲	۲۸	مدح و سخنان	۱۴ رباعی	امام جواد (ع)
۱۶۰	۱۹	مدح و میلاد	۱ قصیده	امام حسن عسکری (ع)

صفحه	تعداد آیات	موضوع	قالب	شخصیت
۲۲۱-۲۲۶	۶۰	مدح و انتظار	۲ قصیده	امام عصر ^(ع)
۱۰۵	۱۰	مدح والتجا	۱ غزل	امام عصر ^(ع)
۳۰۰	۳۲	مدح و انتظار	۱ مثنوی	امام عصر ^(ع)
۱۸۶	۴۸	مدح و انتظار	۱ ترجیع بند	امام عصر ^(ع)

۱-۲. پیامبر اکرم^(ص)

مدح پیامبر اسلام^(ص)، ذکر اسامی و القاب، وصف عظمت و اخلاق و اشاره به معجزات ایشان، از جمله موضوعاتی بوده که در دیوان بازتاب یافته است. بعضی از این آیات در ادامه برای نمونه نقل می‌شود.

اسامی و القاب:

ابوالقاسم محمد شہسوار کشور سرمهد

که شد از حق مؤید بر تمام اسفل و اعلیٰ

(۱۴۲/۵)

حمید و حامد و محمود، مصطفی و محمد

تویی مؤید یاسین، تویی مخاطب طها

(۱۴۲/۵)

ای مه برج رسالت، سرور امی لقب!

اشرف اولاد آدم، صدر دین، بدر انام!

(۱۴۶/۳)

دُر کنْز مخفی، رسول امین

که کرد آشکارش جهان آفرین

(۴۰۲/۴)

دُر کنْز مخفی، رسول امین

که کرد آشکارش جهان آفرین

(۴۰۲/۴)

به قرآن نسخه‌ای در وصف جاه و رتبه اش یاسین

زیزدان نکته‌ای اندر شنا و مدحتش طاها

(۱۴۲/۷)

یکی از القاب مهم پیامبر^(ص) که بیانگر مهربانی ایشان و مأموریت جهانی حضرت بوده، «رحمت للعالمین» است: «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمَيْنَ؛ وَ مَا تُرَا جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیا: ۱۰۷).

توبی آن «رحمه للعالمین» شاهاكه در عالم

در رحمت گشودی بر رخ هر مؤمن و ترسا

(۱۴۳/۲)

خواست یزدان کز ضلالت وارهاند خلق را

کرد ظاهر نور پاک رحمت للعالمین

(۱۱۴/۱۲)

خاتم پیامبران^(ص):

نمود ختم به ایجاد او نبوت را

گشود بر رخ گیتی در سعادت را

(۴۹۱/۸)

اخلاق پیامبر^(ص):

تو آن سر دفتر دیوان اخلاقی که در قرآن

ستوده صاحب خلق عظیمت قادر دانا

(۱۴۳/۴)

در مورد اخلاق پیامبر^(ص) همین بس که خدای متعال در قرآن فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَى
خُلُقٍ عَظِيمٍ» یعنی به راستی تو بر خلق و خوی بس بزرگی هستی (قلم: ۴).

عظمت پیامبر^(ص):

هستی وجود کائنات وابسته وجود پیامبر^(ص) است. حدیث مشهور به «لولاک» بیانگر این حقیقت است: «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ؛ خَدَاوَنْدَ فَرَمِودَ: إِيْ مُحَمَّدَ! أَغْرِ بِهِ خاطرْ تُونْبُودْ جَهَانْ رَانْمَى آفَرِيدَمْ» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۴۸۴).

سزووار «لولاک» ختم رُسل

هدایتگرانس و جان، عقل کُل

(۴۰۲/۷)

فدایی هروی چندین بار به این حدیث اشاره کرده است: (۱۶۳/۱۱)، (۲۹۱/۸)، (۱۱۱/۴)،

(۴۹۱/۹) و (۱۴۱/۱)

سوگند به جان پیامبر^(ص) نشان از عظمت وجودی ایشان دارد. فدایی از این سوگند با عبارت «تاج ل عمرک» و «سلطان ل عمرک» یاد کرده است که اشاره به آیه ۷۲ سوره مبارکه حجر دارد: «لَعْمَرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سُكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ»، ای محمد! به جان تو سوگند که آن‌ها در مستی خود سرگشته‌اند.

سید ابرار، سلطان «ل عمرک» عقل کل
احمد مختار، فخر دودمان ماء و طین

(۱۱۴/۹)

مکلّل به تاج «ل عمرک» سرش
مخلّع به تشریف «طاهما» برش

(۴۰۲/۸)

پیامبر اسلام^(ص) قبل از زندگی ظاهری در این دنیا، یاور پیامبران بزرگ و شفیع ایشان در بلایا بوده است:

اگر به نام تو سوگند می‌نداد خدا را
نمی‌رسیدی آدم به وصل جنت و حوا

(۱۱۲/۲)

چو زد دست توسل نوح پیغمبر به دامانش
نجاتش داد از طوفان محنث حی بی همتا

(۱۴۲/۱۰)

اگر به درگه لطف تو التجا نمودی
نجات نوح نبود از چهار موجه دریا

(۱۱۲/۳)

زتاب نور تو بود آن تجلی‌ای که به سینا

نمود جلوه که شد صبر و تاب از کف موسی

(۱۱۲/۵)

ز خورشید جمالش پرتوی شد جلوه‌گر آنگه

که موسی «رب ارنی» گفت اندر وادی سینا

(۱۴۲/۱۱)

دم جان بخش او گر همدم عیسی نمی‌بودی

نگشته مرده پوسيده هرگز از دمش احیا

(۱۴۲/۱۲)

نبودی یوسف اردیباچه خوان مكتب حسنیش

به تخت سلطنت از چاه زندان کی نهادی پا؟

(۱۴۲/۱۳)

معجزات پیامبر اکرم^(ص):

فرو ریختن چهارده کنگره ایوان کسری و ...: شبی که رسول خدا در آن به دنیا آمدند، ایوان کسری شکسته شد و چهارده کنگره آن فرو ریخت و آتش فارس خاموش شد که هزار سال قبل از آن خاموش نشده بود و دریاچه ساوه فرو رفت (طبری، ج ۴۵۹: ۱).

کشید مشعل نور تو چون شراره به عالم

خموش گشت ز شرم آتش از معابد ترسا

(۱۱۱/۸)

بخفت روشنی آتش از معابد فارس

شکست رونق زردشت تا به نفخهٔ صور

(۱۴۰/۱۴)

سرنگون گردید از طاق حرم لات و هبل

تا مزین شد ز نامش قبله اهل یقین

(114 / 15)

معراج: در شعر فدایی موضوع معراج و نزدیکی پیامبر^(ص) به خداوند متعال، با توجه به آیاتی از سورة نجم بازتاب یافته است. پیغمبر در شب معراج بسیار به خداوند نزدیک شد؛ به طوری که فاصله او به اندازه دو کمان بلکه کمتر بود. در سورة نجم آیات ۷ و ۸ و ۹ می‌فرماید: «وَ هُوَ بِالْأَفْقَ الْأَعْلَى * ثُمَّ دَنَى فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ وَ ابْوَدَ بِرَأْفَقِ بَرِّ تِرْ». پس نزدیک آمد، پس نزدیک شد، پس بود قدر دو کمان یا نزدیک تر.

خدا و دنی تاج و معراج، تخت

که در قاب قوسین افکند رخت

(۴۰۲/۳)

خدیوی که با رفعت عز و جاه

قدم زد به معراج قرب الہ

از او قاب قوسین، زیورگرفت

نُه افلاك ازاوزينت و فرگفت

(۳۸۶/۱، ۲)

به سخن درآمدن سنگریزه‌ها: تسبیح سنگریزه‌ها از معجزات مشهور حضرت

رسول اکرم^(ص) بوده که به چند صورت نقل شده است: «عَنْ أَبِي ذَرٍ قَالَ كَتَّابًا جُلُوسًا مَعَ النَّبِيِّ^(ص) فَأَخَذَ حُصَبَاتٍ فِي كَفِهِ فَسَبَّحَنَ ثُمَّ وَضَعَهُنَّ فِي الْأَرْضِ فَسَكَنَ ثُمَّ أَخَذَهُنَّ فَسَبَّحَنَ؛ از ابی ذر غفاری نقل می‌کنند که گفت ما با پیغمبر^(ص) نشسته بودیم و او چند سنگریزه در مشت گرفت و آن‌ها تسبیح گفتند؛ سپس بر زمینشان نهاد و خاموش شدند؛ دیگر بار در مشت گرفت و آن‌ها تسبیح گفتند» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۹۸).

پی‌گواهی تو سنگ ریزه شد متکلم

چنان‌که بِئْ بِریان به پیش‌آمدہ گویا

(۱۱۲/۶)

شق القمر: در دو بیت از اشعار فدایی معجزه شق القمر حضرت محمد^(ص) بازتاب یافته است. خداوند در سورة «قمر» این موضوع را بیان نموده است: «إِقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ؛ قِيَامَتْ نَزِدِيكَ شَدَّ وَمَاشَ بِشَكَافَتْ» (قمر: ۲۶).

به یک اشاره که شد مه دونیمه بر فلک از تو

گرفت دین به میان جای و شد مدینه تو را جا

(۱۱۲/۸)

توبی کزپنجۀ معجزنمایت ماه برگردون
دو شق گردید بهرامتحان فرقۀ اعدا

(۱۴۳/۱)

قرآن: قرآن کریم بزرگترین و برترین معجزه پیامبر اسلام^(ص) است که با آغاز رسالت آن حضرت^(ص) برای هدایت بشر و خلاصی آن‌ها از گمراهی نازل شد.

همه نظام قوانین اجتماع بشر

زلطف بار خداد در کتاب او مسطور

(۱۴۱/۵)

بهر خلاصی بشر از گمره‌ی رسید

دستورنامه‌ای به وی ازو حی کردگار

(۲۰۶/۹)

التجا به پیامبر و درخواست شفاعت از ایشان:

یا نبی‌الله! ای درماندگان را دادرس!

دست ما و دامن لطف تو تا روز پسین

بنده عاصی فدایی در صف روز جزا

دارد امید شفاعت یا شفیع المذنبین!

(۱۱۵/۴-۵)

به هنگام شفاعت، یا شفیع المذنبین! از تو

«فدایی» نیز دارد یک نگاه لطف استدعا

(۱۴۳/۷)

۲-۲. حضرت علی^(۴):

تولد در کعبه:

به غیر ذات علی کیست خانه زاد خدا

که راست این شرف و عزت و وقار اینک؟

(۱۳۷/۱۴)

خوشامراتب فرزند کعبه فخر بشر

که جلوه کرد چو خورشید بر مدار اینک

(۱۳۷/۱۰)

شاعر میلاد حضرت علی^(ع) را در یک مثنوی ۲۸ بیتی تحت عنوان «میلاد نور» آورده که واقعه ولادت آن حضرت را در کعبه به تصویر کشیده است. (فدایی هروی، ۱۳۹۹: ۲۹۸ و ۲۹۹).

وصف حضرت علی^(ع) در قرآن:

ز «هل اتا» ش بود تاج و «انما» رفعت

بود ز آیه تطهیر در برش خلعت

(۲۹۹/۷)

فدایی هروی در این بیت به دو موضوع مهم در باب حضرت علی^(ع) اشاره دارد که در قرآن کریم آمده است: یکی نزول سورة دهر معروف به «هل اتا» که در شأن امیر مومنان^(ع)، حضرت فاطمه^(س) و دو فرزندشان نازل گردیده است. علمای شیعه و نیز بسیاری از علمای اهل سنت اتفاق نظر دارند که این آیه به همراه آیاتی دیگر (هجده آیه از این سوره یا تمامی آن) درباره سه روز روزه گرفتن امام علی^(ع)، فاطمه^(س)، حسنین^(ع) و فضه نازل شده است. نقل شده است که این افراد با اینکه گرسنه بودند، افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند. روایات بسیاری وجود دارد که این شأن نزول را بیان می‌کنند (رک: زمخشri، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۶۷۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰هـ.ق، ج ۳: ۳۰؛ طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۶۱۱ و امینی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۵۵).

موضوع دیگر، آیه تطهیر است. بعضی بر این نظرند که مخاطب این آیه فقط پیامبر^(ص) و همسران وی هستند؛ اما اکثر کتب مهم تفسیری سنی و شیعی، آیه تطهیر

را در شأن فاطمه^(س)، علی^(ع) و حسنین علیهم السلام می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۶۴-۴۶۷). همچنین در ایات: (۱۴۷/۱۰)، (۱۱۸/۱۳)، (۴۰۳/۱۰)، (۱۳۷/۱۳) به شأن نزول سوره «هل آتی» اشاره شده است.

«اطیعوا الله و هم اطیعوا الرسول»

بود واجب آنسان که داری قبول

و حکم «اولی الامر» را در کتاب

خدا خوانده بر بندۀ راه صواب

(۴۲۳/۷، ۸)

جمله «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» که در این بیت فدایی بازتاب یافته، در مورد اطاعت خدا و رسولش است و «اولی الامر» درباره خاندان و اهل بیت رسول خدا^(ص) بوده که خداوند اطاعت آن‌ها را برای پیروانشان واجب فرموده است: «یا أئیه‌الذین امْنُوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر مِنْکُم...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کاردارانی که از شما هستند، فرمان برید (نسا/۵۹)؛ درخصوص مصاديق اولی الامر بحث‌های بسیاری در کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی صورت گرفته است و میان شیعیان و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. طبق نظر مفسرین شیعی، امامان دوازده‌گانه مصاديق اولی الامر هستند. به گفته علامه حلی روایات متواتری از راویان شیعه و اهل سنت وجود دارد که بر این مسئله دلالت می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۵۳۹).

از «انّما ولیکم الله»، مقصدی

از «هل آتی» توصیح‌دیهیم و افسری

(۱۱۸/۱۳)

این بیت به آیه ولایت در قرآن کریم اشاره دارد: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ أَمْنَوْا إِيمَانَ زَكَاةً وَيُؤْثِرُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ**: ولی و سرپرست شما تنها خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (مائده: ۵۵). خدا در این آیات سرپرست و ولی مسلمانان را مشخص می‌سازد. شایان توجه است که آیه مذکور با کلمه حصر شروع شده است؛ یعنی سرپرستی شما مربوط به سه شخص می‌باشد: خدا و رسول و مؤمنانی که صفات مخصوص دارند. تفاسیر شیعه و برخی از تفاسیر اهل تسنن، سبب نزول این آیه را اتفاق حضرت علی^(ع) به فقیر در حال نماز می‌دانند. بنا بر آنچه در روایات نقل شده است:

روزی فقیری وارد مسجد پیامبر^(ص) شد و تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی به او نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی به من چیزی نداد». در همین حال، حضرت علی^(ع) که در حال رکوع بود، به انگشت‌تری که در دست راستش بود اشاره نمود. فقیر نزدیک آمد و انگشت‌تر را از دست ایشان بیرون آورد و این آیه نازل شد. برای نمونه رجوع شود به (طبرسی، ۱۳۸۳، ج: ۳، ۳۰۴)، (طوسی، بی‌تا، ج: ۳، ۵۵۸)، (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج: ۶، ۸) و (ایجی، بی‌تا: ۴۰۵) و همچنان در ایات زیر به ولایت حضرت علی^(ع) و جریان غدیر خم اشاره شده است:

گل ریاض امامت علی که بعد نبی

به جن و انس امیراست و شهریار اینک

مؤیدی که به تأیید کردگار جلیل

نهاده پای بر ایوان اقتدار اینک

ابوالائمه که ارکان شرع مصطفوی

به زور و بازوی وی گشته استوار اینک

بهر مقام و رتبهات این بس که در غدیر

دادت رسول بر همه خلق، برتری

(۱۱۸/۱۵)

و نیز در این ایات: (۵/۱)، (۴۰۳/۷)، (۱۳۷/۷)، (۱۴۷/۸)، (۴۰۳/۴)، (۱۱۸/۶)،
 (بنده/۲۳۶)، (بنده/۲۴۰).

عدالت علی^(۴):

شاهی که پیش پنجه ضبط وعدالت ش

ضیغم کند غزالی و شاهین کبوتری

(۱۱۷/۱۳)

ای یکه تاز عرصه رزم و دلاوری
 وی شاه تخت معدلت و دادگستری

(۱۱۸/۵)

بخشن حضرت علی^(۴):

یا مظہر العجائیب و یا معدن الکرم
 اُنُظر لَنَا بِفَضْلِكَ خیر التّنَاظِرِ

(۱۱۸/۳)

علی، آن که گردون نیلی قباب
 ز بحر عطا یش بود یک حباب

(۴۰۳/۳)

جهان‌پناه امامی که دامن کرمش

فگنده سایه به نه طاق زرنگار اینک

(۱۳۷/۱۱)

خلقت حضرت علی^(ع):

هر سحر خورشید بر دربار فیض آثار او

سجده می‌آرد وزان در می‌نماید نور و ام

(بند ۵/۲۳۶)

با ختم انبیا تو زیک نور مشتقی

زان رو به مصطفای معلّی برادری

(۱۱۸/۸)

این بیت به خلق‌ت حضرت علی^(ع) اشاره دارد که پیامبر اکرم^(ص) فرمود:

«خُلِقْتُ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلَقَ أهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورِي وَ خَلَقَ مُحَبَّهُمْ مِنْ نُورِهِمْ وَ سَائِرُ الْخَلْقِ فِي النَّارِ: مِنْ از نور خدا آفریده شده‌ام و اهل‌بیت من از نور من خلق‌ت یافته‌اند و دوستداران آن‌ها نیز از نور ایشان آفرینش یافته‌اند و سایر مردم در آتشند»
(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۰: ۱۵).

و همچنان اشاره دارد به اینکه پیامبر اسلام^(ص) حضرت علی^(ع) را برادر خواند و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي أَنْ أَوَاخِيكَ فَأَنْتَ أَخِي فَى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: پروردگار متعال به من فرمان داد و امر کرد که با توای علی، عقد اخوت برگزار کنم. پس تو برادر من هستی در این دنیا و جهان واپسین» (حجازی، ۱۳۸۴: ۱۲۴) و نیز بیت: (۲۰۳/۸).

ضریبہ ذوالفقار علی^(۴) افضل از عبادت ثقلین:

یک ضربت ذوالفقار تو بر عمرو عبدود

آمد فزون ز طاعت کوئین، یکسری

(۱۱۹/۱)

افضل ز عبادات تمام ثقلین

از کشتن عمرو ضرب بازوی علی است

(۲۰۳/۱۳)

شهی که ضربت تیغش ز طاعت ثقلین

فزون تر آمده در روز کارزار اینک

(۱۳۷/۱۰)

福德ایی هروی در چند بیت به ضربت شمشیر علی^(۴) در جنگ خندق اشاره کرده است: «ضریبہ علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین»: ضربہ علی بن ابی طالب بر عمرو بن عبدود در روز خندق، برتر از عبادت تمام جن و انس است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۹) و نیز در ابیات: (۲۰۳/۱۱)، (۲۰۳/۲)، (۱۳۷/۸)، (۴۰۳/۲) (بند ۲۳۶/۴).

هموست آن که به بازوی لافتاش یقین

نشان کفر برافتد رواج یابد دین

(۲۹۹/۹)

آن یداللهی که روز خندق اندر کارزار

ضرب شمشیری که زد بر فرق عمر و نابکار

افضل از طاعات جن و انس آمد در شمار

«لافتی الٰا علی لاسیف الٰا ذوالفقار»

(بند ۲۳۷/۳)

«لَافْتِي إِلَّا عَلَى لَا سَيِّفَ إِلَّا ذُو الْفَقَار»؛ جوانمردی همچون علی^(ع) و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۱۰ و طبری، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۰۲۷).

شافع روز جزا؛ پیامبر خدا^(ص) فرمود: «إِنَّ أَشْفَعَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَاشْفَعْ وَيَشْفَعْ عَلَيْ، فَيُشَفَّعْ وَيَشْفَعْ أَهْلَ بَيْتِي، فَيُشَفَّعُونَ»؛ در روز قیامت من شفاعت می‌کنم و شفاعتم پذیرفته می‌شود و علی شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته می‌شود و اهل بیت نیز شفاعت می‌کنند و شفاعت‌شان پذیرفته می‌شود» (طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۲۳).

شهریار اوج رفت، شهسوار لافتی

منشی دیوان رحمت، شافع روز جزا

(بند ۴/۲۳۶)

عفو کن شاهها «فدایی» را کز این مدحتگری
شرمسار آمد بسی ای شافع یوم الحساب

(۱۴۸/۱۴)

علم علی^(ع):

ای وجودت در مقام قرب فرد بی‌عدیل
کمترین طفل دستان علومت جبرئیل

(بند ۵/۲۳۷)

پیامبر^(ص) فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيْ بَأْيُهَا» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۳۷).

۳-۲. حضرت زهرا^(س)

اسامی والقب: حضرت زهرا^(س) چندین نام داشتند که برای هر کدام دلیلی را در روایات ذکر کرده‌اند. یکی از این نام‌ها، زهراست. پیامبر در مورد آفرینش نوری فاطمه^(س)

فرمود: آفریدگار هستی نور فاطمه را بسان مشعلی فروزان آفرید و آن را بر کنگره‌های عرش آویخت و آنگاه بود که آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه به نور او نورباران گردید و به همین جهت او «زهرا» نامیده شد (قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۷۸). در بیت فدایی، شاعر واژه ستاره را به عنوان استعاره‌ای از وجود حضرت زهرا^(س) آورده که با اسم آن حضرت «زهرا» و «آسمان» متناسب است.

برآسمان رسالت زعترت یاسین

ستاره‌ای بدرخشید و نام شد زهرا

حبيبه، طاهره، انسيه، فاطمه، كوثير

به کنيه ام ايها، بتول، خير نسا

(۱۲۰/۱۱-۱۲)

خانواده حضرت زهرا^(س):

قوم حق و حقیقت به همسرش قائم

نظام شرع و طریقت ز شوهرش بر پا

دو گوهر از يم دامان او حسین و حسن

دو گوشواره عرش و دو رهنمای هدا

يکيش مصدر احسان و حلم و صبر و سکون

يکيش سرور آزادگان هر دو سرا

دو لاله برگ ز بستانش زينب و كلثوم

دو پاسدار اسيران روز عاشورا

یکی پیامبر انقلاب سرخ حسین
یکیش قافله سالار دشت کرب و بلا

(۱۲۱/۴-۸)

شفاعت زهرا^(س): حضرت زهرا^(س) در روز قیامت رو به پروردگار می‌گوید: خداوند!! نسل من، دوستداران و رهروان راه من، دوستداران و پیروان نسل شایسته کردام، آنها را مورد عنایت خویش قرار ده! آنگاه است که از بارگاه خداوند ندا می‌رسد که کجایند فرزندان و رهروان فاطمه و دوستداران و پیروان نسل پاک و سرفراز او (قزوینی، ۱۳۸۹: ۸۳۷).

از این قصیده مرآمدعا شفاعت توست

که چون قیام کند گیر و دار روز جزا

به فرصتی که در آیی به عرصه محسن

به دست جامه پرخون سید الشهدا

به دادبنده «فدایی» رسی که در همه عمر

به نامه عملش جز گنه نشد انشا

(۱۲۲/۷-۵)

۴-۲. امام حسین^(۴)

اشعار فدایی با موضوع امام حسین^(۴) را با توجه به انواع ادبی می‌توان در سه نوع حماسی، غنایی و تعلیمی بررسی نمود.

نگاه حماسی: شجاعت و دلاوری‌های امام حسین^(۴) در قیام عاشورا و تن‌ندادن به ذلت، همواره یکی از برجسته‌ترین الگوها برای انسان آزادی خواه بوده است. فدایی شاعری افغانستانی است و در میان جنگ و انتشار و انفجار به سرمی برد و با سلاح

قلم در کنار مردم ایستاده و برای روحیه دهی به جوانان، امام حسین^(ع) و قیام عاشورا را در اشعار خود بازتاب می‌دهد.

این است آن دیار که باید ز خون خویش
 ویران کنیم خانه ظلم یزید را
 این است آن دیار که باید به روزگار
 افشا کنیم چهره قوم پلید را
 این است آن دیار که تا بر فراز عرش
 باید رساند جوشش خون شهید را
 خواهیم اگر به هر دو جهان عز و آبرو
 باید ز خون ما شود اسلام سرخ رو

(۱۰-۶/۹۰)

پا در رکاب کرد چو سلطان کربلا
 از بھر رزم در صف میدان کربلا
 احزاب و بدرو خندق و خیبر زیادرفت
 در عرصه گاه رزم و بیابان کربلا
 کرد آن چنان جدال که تا چشم روزگار
 شد خون خصم ریخته آن سان که قرص مهر
 کشتی صفت فتاد به طوفان کربلا

لیکن دریغ و درد که دست جفا فکند

بر خاک، سرو قدّ دلیران کربلا

(۴۰۰/۱۰-۱۴)

نگاه غنایی: ایات زیر بیانگر عشق امام حسین^(۴) به خداوند است. عشق آن حضرت بالاترین مرتبه عشق به خداست. او به خاطر این عشق آسمانی و نجات دین اسلام از انحرافات، قیام نمود و در روز عاشورا با سربلندی و فداکاری در راه اسلام و قرآن به شهادت رسید.

هر آنکه در ره جانان ز نقد جان گذرد

به پای عشق ز میدان امتحان گذرد

سرم فدای ره عاشقی که از دل و جان

به یک اشاره معشوق از جهان گذرد

(۴۷/۱۱-۱۲)

یکی از انواع شعر غنایی، مرثیه است. این نوع شعر در ادب فارسی سابقه دیرینی دارد؛ به ویژه اشعاری که در ذکر مصائب و شرح شهادت پیشوایان دین و شهیدان کربلاست. فدایی نیز از جمله شاعرانی است که اشعار زیادی در رثای شهادت امام حسین^(۴)، خانواده و همراهان آن حضرت سروده و حادثه جانگداز عاشورا را به تصویر کشیده است.

غريب وبى كسى وبى غسل وبى كفن ماند

ز مال و هستى و اولاد و خانمان گذرد

(۴۸/۱۱)

بستند آب بر رخ مهمان جماعتی

کان قوم را ز خالق یکتا حیا نبود

گویا به غیر کشتن مهمان تشنہ لب

آن فرقه را دگر به جهان مدعای نبود

آن ظلم‌ها که رفت بر آن خسرو جلیل

هرگز نرفته بود ز نمرود بر خلیل

(۲۰۱/۶-۸)

نگاه تعلیمی: آموزه‌های قیام عاشورا در دیوان فدایی بازتاب یافته است. وی امام حسین^(۴) را سرور آزادگان و رهبر انقلاب خوانده و جوانان وطنش را برای پیروزی در راه دفاع از میهن و بیرون راندن متجمعاً زان از کشور، به پیروی از ایشان توصیه می‌کند.

همیشه درس فداکاری از حسین گیرد

به عزم کعبه مقصود ز آشیان گذرد

هر آن سری که در او نیست عشق میهن و دین

ز خود به راه حقیقت کجا توان گذرد

(۴۸/۱۲-۱۳)

قتل حسین و فاجعه دشت کربلا

پندی است بر جهان بشرط اصف جزا

(۱۹۴/۱۵)

آن را که نیست شیوه جان باختن شعار

در مکتب حسین علی نیست پایدار

(۱۹۶/۱۴)

آن یک امیر و سرور آزادگان حسین

نور دو چشم سیّد و سالار انبیا

آن میر سرفراز که در پیشگاه ظلم

هرگز نگشت قامت آزاده اش دوتا

آن رهگشای خون و شهادت که تابه حشر

آزادگان کون و مکان راست رهنما

آن کشتی نجات که در روز رستخیز

مستغرق گناه بدو جوید التجا

(۱۵۹/۲-۵)

۵-۲. امام رضا^(۴)

- اسم و لقب امام:

ایا سرشه رضای تو بارضای خدا

از آن نهاد پدر نام نامی تو رضا

(۱۸۹/۱۴)

خدایگان خراسان، خدیو خطه تو س

سلیل احمد و هشتم امام، شمس شموس

(۱۸۹/۹)

کسی که آهوی وحشی بر او پناه آرد

چه سان ز درگه او ناامید انسان است

(۱۳۴/۳)

این بیت به داستان مذهبی معروف ضامن آهو اشاره دارد. از نظر واقعی بودن این داستان بین اهل علم و تحقیق، اختلاف نظرهایی وجود دارد.

امام رضا^ع، کشتی نجات: پیامبر^(ص) می‌فرماید: «مَثُلُّ أَهْلِ بَيْتٍ فِي كُمَّلٍ سَفِينَةٍ التَّوْحِيدِ مَنْ رَكَبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»: مثل اهل بیت من میان شما، مثل کشتی نوح است که هرکس به آن پناه برد، نجات یافت و هرکس از آن جا ماند، هلاک شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۱۰۵: ۲۳).

جهان چون زورق واونج و آشوب زمان توفان

من واين نوح واين کشتی، چه باک ازموج طوفان؟

(۱۳۱/۱۱)

ضامن غریبان: امام رضا^ع پناه‌دهنده و ضامن بیچارگان است و هیچ کسی در دیار آن حضرت غریب و بیکس نیست.

غریب نیست کسی در پناه دولت او

که او به لطف و کرم ضامن غریبان است

(۱۳۴/۵)

جایگاه زائران رضا^ع: امام صادق^ع از پیامبر بزرگوار نقل کرده‌اند که رسول خدا^(ص) فرمود:

«سُتُّدُفُنْ بِضُعْفِهِ مَنِّي بِأَرْضِ خَرَاسَانَ، لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةُ وَحَرَمُ جَسَدِ عَلَى النَّارِ: بِهِ زُوْدِي بِأَرْهَابِي ازْتَنْ مِنْ دَرَسَرْزِمِينَ خَرَاسَانَ دُفْنَ مِيْشُودَ. هَرَّ مُؤْمِنِي كَهْ او را زیارت کند، خداوند بهشت را بر او واجب کرده است و جسم او را بر آتش جهنم حرام می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱: ۱۰۲).

ملک نوشته بر ایوان او به خط جلی

که جای زائر او صدر باب رضوان است

(۱۳۴/۲)

جود رضا^(۴): دریای جود و مرحومت امام رضا^(۴) مربوط به یک قشر خاص نیست و مؤمن و کافر و زرتشیان و همه مردم، از آن برخوردارند.

شہ سریر ولایت، محیط جود و سخا
مه سپهر امامت، علی بن موسی

(۱۸۹/۸)

کسی ز درگه جود تو نامید نرفت
اگر که مؤمن دیندار یا که گبر و مجوس

(۱۸۹/۱۲)

۶-۲. امام جواد^(۴)

اسم و لقب: یکی از صفات بسیار بارز امام محمد تقی^(۴)، جود و بخشش است و به خاطر داشتن این صفت، به جوادالائمه معروف هستند. در شعر فدایی نیز در چند بیت به این مسئله اشاره شده است: (۵۰۹/۵-۶)، (۵۰۹/۹)، (۴۹۴/۱۲-۱۴)، (۵۱۰/۱-۲)، (۴۹۵/۱۱).

(۴۹۳/۹)

محمد بن علی رضا که در تقوا

تقی متّقی آمد لقب به ارض و سما

از آن به نام جوادالائمه شد مشهور

که بود جود و عطا کار آن طلیعه نور

(۴۹۳/۱۲)

با جود جواد، هفت دریاست سراب

وز بحر کفش مزرع هستی سیراب

(۵۰۹/۹)

علم امام جواد^(ع):

به علم و دانش و عرفان سرآمد دوران

به نور بینش و ایمان فرید عصر و زمان

(۴۹۴/۵)

فروغ علم لدن بود در دلش مضمر

که بود علم لدنیش ارث جدّ و پدر

(۴۹۴/۱۰)

در قلزم علم و دانش و فضل تقى

باشد اثر دو صد فلاطون چو حباب

(۵۰۹/۱۰)

چنان که بودند اجداد آن امام امم

به علم اول و آخر به امر حق اعلم

امام نیز بدان سان فرید و اعلم بود

به فضل و علم و عمل افتخار عالم بود

(۴۹۵/۱۲-۱۳)

امام جواد^(ع) همانند اجداد:

فدایی در این ایيات همانندی‌ها و صفات مشترک امام جواد^(ع) را با اجداد طاهرینش
بیان نموده است.

محمد تقى آن هادی هدایت خلق

که در طریقت و شرع است مرشد ارشاد

به خلق و خوچو پیغمبر، به عدل و داد علی
به حلم و صبر، حسن درگه صلاح و سداد
به رادمردی و آزادگی بسان حسین
به زهد و طاعت و تقوا چو سید سجاد
به درک علم چو باقر به صدق چون جعفر
به فضل و بذل چو موسی مرادبخش عباد
به اقتضای قضا چون پدر همیشه رضا
به گاه عهد و وفا استوار چون اجداد

(۵۱۳/۸-۱۲)

معجزه امام جواد^(۴): امام جواد^(۴) پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سن هشت سالگی به امامت رسید و از نوعی پیشرفت معنوی و نفوذ باطنی برخوردار بود. در حدیثی از یحیی بن اکثم نقل شده است:

«روزی برای زیارت قبر رسول خدا^(ص) رفته بودم که امام جواد^(۴) را دیدم. با او درخصوص مسائل گوناگونی مناظره کردم. همه را پاسخ داد. به او گفتم: خواستم از شما چیزی بپرسم؛ اما شرم دارم از پرسش. امام جواد فرمود: بدون آنکه سؤالت را پرسی من پاسخ آن را می‌دهم. تو می‌خواهی بپرسی امام کیست؟ گفتم: آری. به خدا سوگند همین است. فرمود: منم. گفتم: براین مدعاعشانه و حجتی دارید؟ در این لحظه عصایی که در دست امام بود، به سخن آمد و گفت: «آنُه مولایی امام هذا الزمان و هو الحجت، همانا او مولای من و امام این زمان است و حجت خداست» (الکافی، ج ۱: ۳۵۳).

به کودکی پی آزادی از قیود ستم
که در مبارزه جز او فراشتی پرچم؟

اگرچه بود به ظاهر هنوز طفل صغیر

ولی به فضل و کرامات وجودش دشته شد

اگر که در کف موسی عصا چواز درشد

به یمن معجزاً او هم عصا سخنور شد

(۴۹۵/۴-۶)

سخنان قصار امام جواد^(۴): فدایی هروی در دیوان خود، گذشته از مدح امام جواد^(۴)، به سخنان قصار آن حضرت نیز پرداخته است. موضوع بعضی از این احادیث از این قرار است: پرهیز از عیب جویی: (۵۱۰/۵-۶)، ادب نفس: (۵۱۰/۷-۸)، اعتماد به خداوند: (۵۱۱/۴-۵)، هم صحبت بد: (۵۱۱/۸-۱۰)، اطاعت نفس: (۵۱۲/۶-۷)، نیت در عمل: (۵۱۱/۶-۷)، عهد و پیمان: (۵۱۲/۸-۱۳) و سه خصلت نیک: (۵۱۲/۱-۳).

۷-۲. امام حسن عسکری^(۴)

فدایی قصیده‌ای در مدح امام حسن عسکری^(۴) سروده است که در آن از عظمت، اوصاف، جود و بخشندگی و چگونگی به شهادت رسیدن آن حضرت سخن می‌گوید.

عظمت امام حسن عسکری^(۴):

هست چتر اقتدار و سایبان رفعتش

سایه‌گستر بر فراز گنبد نیلوفری

(۱۶۰/۱۲)

پیش ایوان جلال و کاخ قدرش آسمان

بهر تعظیم و تواضع ساخت قامت چنبری

(۱۶۱/۱)

تابع فرمان والايش زمين و آسمان

بنده احسان و جودش از ثريا تاثري

(۱۶۰/۱۰)

سخاوت امام حسن عسکري^(۴):

صد چو حاتم پيش دست جود او كمتر گدا

صد چو خاقان آستانش را نماید چاکري

(۱۶۱/۲)

سايه لطفش نشيمنگاه ارباب نياز

سفره جودش بود بحر عنایت گستри

(۱۶۰/۱۴)

زيمايي و اوصاف امام عسکري^(۴):

جلوه حسننش برد خورشيد و مه را در خسوف

کاخ اجلالش کند با عرش يزدان همسري

در شمايل چون پيمبر، در خصايل چون على

چون حسن دارد ز رتبت بر جهانى برترى

در ره آزادگى چون سرور مردان حسين

پيش کاخ ظلم قامت خم نکرد از مهترى

(۱۶۱/۳-۵)

۸-۲. حضرت مهدی (ع)

فدایی هروی امام زمان (ع) را در چند قالب شعری مدح کرده است. وی به تولد آن حضرت، نشانه‌های ظهرور و وقایع بعد از آن اشاره دارد. همچنین از فضایل ایشان همچون عدالت، حکمت، شجاعت و پیشوای جن و انس بودن نیز نام برده است. انتظار ظهرور امام عصر (ع) و انواع مشکلات و نابسامانی‌هایی که دامن‌گیر منتظران مهدی (ع) بوده نیز در شعر فدایی بازتاب یافته است.

تولد حضرت مهدی (ع): امام زمان (ع) دوازدهمین حجت حق، همانند نور جهان افروز، در پانزدهم شعبان این ظلمت‌سرای عالم را نور بخشید و نام آن شد مهدی موعود.

چه جلوه‌ایست که ظلمت‌سرای عالم را
بسان مهر جهان تاب داده نور و صفا
و زدن سیم بهشت از فضای کون و مکان
ز نکهت گل مولود نیمة شعبان

(۳۰۰/۴-۵)

که شد راین چمن ازلطف کردگار و دود
شکفته نوگل رخسار مهدی موعود

(۳۰۰/۱۱)

در انتظار ظهرور مهدی (ع):

به سحر رسان تو یا رب شب انتظار ما را
که سواد دیده روشن شود از لقای مهدی

(۱۰۵/۱۱)

شتاپ کن که تویی مُصلح جهان بشر

نفاق و تفرقه را یک سر از میان بردار

(۱۶۶/۸)

به انتظار ظهور تو انس و جن و ملک

ستاده‌اند صف اندر صف ای سپه‌سالار

(۱۶۶/۵)

همچنین در دیوان فدایی ترجیع بند زیبایی در ۴۸ بیت با مطلع «ای آفتاب جلوه نور تو مهدیا / ایوان عرش بزم حضور تو مهدیا» درباره انتظار منجی موعود سروده شده است (۱۸۶-۱۸۹).

عدالت امام عصر^(ع): عدل امام زمان^(ع) همچون خورشیدی است که از مشرق سر بیرون می‌کند و سراسر کرهٔ خاکی را فرامی‌گیرد. نور این خورشید حتی بر حیوانات وحشی و درنده نیز تأثیر می‌گذارد؛ تا جایی که پلنگ با آهو و گرگ با میش دریک جا دیده شده و مونس هم می‌شوند.

شه سریر خلافت که با عدالت او

بود پلنگ به آهوز صدق، مونس و یار

(۱۶۵/۱۰)

قوام دین پیغمبر، ولیٰ دادآور

خلیل بت‌شکن و میر معدلت‌گستر

(۳۰۰/۱۳)

زمین زنور منور، زمان به وجود اندر

از اینکه سرزده خورشید عدل از خاور

(۳۰۰/۶)

توسل به امام زمان^(ع): انسان‌های مظلوم از طرف استبدادگران روزگار رنج‌ها کشیده و همه مشتاق ظهور امام عصر^(ع) هستند.

اگر از جفای دوران تن دردمند داری
زکسی مجوى درمان بخر از شفای مهدی

(۱۰۶/۱)

ایا ز نور جمال تو ماسوا روشن

ز خاک پای تو ما راست دیده‌ها روشن

بیا به یاری مستضعفان عرصه خاک

که داد بی‌کسی ما رسیده بر افالاک

بیا و فتنه ارباب بی‌مروت بین

نفاق و تفرقه و جنگ شوم قدرت بین

به دام حادثه، بی‌سرنوشت بین ما را

به کام وسوسه، دور از بهشت بین ما را

(۳۰۱/۱-۴)

۳. نتیجه‌گیری

بررسی دیوان براتعلی فدایی هروی، شاعر برجسته معاصر افغانستان، نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از اشعار وی با موضوع اهل‌بیت^(ع) سروده شده است. این آمار از اعتقادات شیعی او و عشق و محبت وی نسبت به اهل‌بیت^(ع) است. فدایی در افغانستان معروف به شاعر مقاومت و پایداری است. او در مقابل ظلم قد علم کرده و با سلاح قلم و چاره‌جویی از پیامبر^(ص) و مكتب اهل‌بیت آن حضرت، علیه بدخواهان وطن و مردمش به پا خاسته و در شعر خود فریاد برآورده است تا دیگران رانیز از خواب غفلت بیدار کند. او آن فرزانگان را الگوی انسانیت قرار داده و مردم را برای نجات از سختی و مشکلات، به توسل به اهل‌بیت^(ع) ترغیب می‌نماید. او همواره از خاندان عصمت و طهارت مدد خواسته و آنان را شفیع روز رستاخیز می‌داند. در دیوان او مدح پیامبر^(ص) و حضرت علی^(ع) نسبت به دیگر معصومین^(ع) بسامد بالاتری دارد. به طور کلی، اشعار فدایی را با موضوع سیمای اهل‌بیت^(ع) می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد: مدح، نعت و توصیف، عظمت اهل‌بیت^(ع)، محبت اهل‌بیت^(ع)، استمداد و توسل و شفیع قراردادن اهل‌بیت^(ع)، الگو قراردادن امام حسین^(ع) برای جوانان مبارز وطن، سخنان قصار حضرت علی^(ع) و امام محمد تقی^(ع)، شعر انتظار و شکوه‌هایی در پیشگاه امام عصر^(ع).

منابع

١. قرآن کریم.
٢. امینی، عبدالحسین (١٤١٦). الغدیر فی الكتاب و السنّة و الادب. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
٣. ایجی، عبدالرحمن [بی‌تا]. المواقف فی علم الكلام. بیروت: عالم الكتب.
٤. حجازی، عبدالرسول (١٣٨٤). مثل علی^(٤) هرگز: تهران: پگاه.
٥. زمخشّری، جارالله (١٤١٥). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل. قم: البلاغه.
٦. طباطبایی، سید محمدحسین (١٣٧٨). تفسیر المیزان. ترجمهٔ محمدباقر موسوی. تهران: رجا.
٧. طبرسی، فضل بن حسن (١٣٨٣). مجتمع البیان فی تفسیر القرآن. قم: ناصرخسرو.
٨. طبری، محمد بن جریر (١٣٦٢). تاريخ طبری. ج ١ و ٣. تهران: اساطیر.
٩. طوسی، محمد بن حسن [بی‌تا]. التبیان فی تفسیر القرآن. به تحقیق احمد حبیب عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
١٠. علامه حلی، حسن بن یوسف (١٤٠٧). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. به تحقیق حسن حسن زاده آملی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
١١. فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠). التفسیر الكبير (مفایح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
١٢. فدایی هروی، برات علی (١٣٩٩). دیوان. هرات: آن.
١٣. فروزانفر، بدیع الرمان (١٣٨٠). احادیث و قصص مثنوی. به کوشش حسین داوودی. تهران: امیرکبیر.
١٤. قروینی، محمدکاظم (١٣٨٩). حضرت فاطمه^(س) از ولادت تا شهادت. قم: مرتضی.
١٥. کلینی، محمدیعقوب (١٤٠٧). الكافی. تهران: دارالكتاب اسلامیه.
١٦. مجلسی، محمدباقر (١٤٠٣). بحارالانتوار. ج ١، ١٢، ٢٠، ٣٩، ٤٤، ١٠٢، ١٠٥ و ١٠٥. بیروت: دار احیاء التراث العربی.